

تحلیل رفتار پرخاشگری و خشونت ورزشی با تاکید بر رهیافت روانشناختی اجتماعی

دکتر رضاعلی محسنی^۱

چکیده

ورزش به عنوان یک عنصری قوی و فعال، نقش مؤثری در جامعه رو به توسعه امروز ایفا می‌نماید و استمرار و تداوم آن در ارتقاء سطح فرهنگی مادی و معنوی جامعه مؤثر واقع می‌شود و سلامت جسمی و روحی افراد جامعه را تضمین می‌نماید. ورزش به مثابه یک پدیده اجتماعی جایگاه مهمی در بدنه جامعه و خانواده دارد. یکی از دلایل مهم برای مطالعه ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی فراگیر، این است که با بسیاری از مظاهر زندگی اجتماعی افراد جامعه ارتباط بسیار نزدیک دارد. ورزش در اشکال مختلف، بازتابی از جامعه در کلیت خویش است. در جامعه‌ای که فرهنگ خشونت و پرخاشگری امری رایج باشد، زمینه‌های آن را در بسیاری از پدیده‌های اجتماعی، از جمله ورزش، آشکار می‌شود. مطالعه و تحقیق پیرامون خشونت و پرخاشگری در ورزش از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. این مقاله با الهام از رهیافت‌های نظری روانشناختی اجتماعی ضمن تحلیل نظام رفتاری پرخاشگری و خشونت‌های ورزشی، به کنترل خشونت و راهکارهای پیشگیری آن می‌پردازد.

۱- استادیار جامعه‌شناسی و رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان.

واژگان کلیدی: ورزش، خشونت، پرخاشگری، روانشناسی اجتماعی، نظریه‌های خشونت، اوباشگری.

مقدمه

امروزه ورزش و فعالیت‌های مربوط به آن، زمان و انرژی فراوانی از افراد هر جامعه را به خود اختصاص داده و جایگاه مهمی در فرهنگ جوامع پیدا کرده است. رقابت‌های ورزشی، ورزشکاران و تماشاگران را در وضعیت‌هایی قرار می‌دهند که ممکن است قواعد، هنجارها و تقسیم کارهای رایج به آسانی نقض و به رویارویی‌های پرخاشجویانه و خشونت‌آمیز منجر می‌شود. از اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی تا اوایل دهه ۱۹۸۰ که خرده فرهنگ طرف‌داری و تماشاگری گسترش یافته و انگاره‌های اوباشگری شکل گرفته است. بین فعالیت‌های ورزشی گوناگون در ورزش فوتبال بیش از سایر رشته‌های ورزشی رفتار خشن و پرخاشجویانه، به ویژه بین طرف‌داران و هواداران تیم‌های فوتبال مشاهده می‌شود. پژوهشگران و نظریه‌پردازان به تبیین و تفسیر پدیده خشونت ورزشی پرداخته و در دهه‌های اخیر نیز مراکز علمی و دانشگاهی در کشورهای اروپایی به گونه‌ای جدی به بحث‌های نظری درباره خشونت و پرخاشگری در حوزه ورزش پرداخته‌اند.

کارکردهای جامعه‌شناختی ورزش

اهمیت و کارکردهای ورزش عبارت است از:

- ۱- با فعالیت‌های ورزشی می‌توان به توانایی خود در زمینه‌های گوناگون از جمله پایداری، قدرت، سرعت و تحرک پی برد.
- ۲- ورزش به انسان می‌آموزد که بر ناکامی‌های خود غلبه کند و نیروهای خود را برای دستیابی به اهداف خاص تمرکز دهد.
- ۳- با فعالیت‌های ورزشی، ارزش‌ها و نگرش‌ها درباره اندام، حرکت هماهنگ رفتار سالم بهداشتی و رفاقت و کار جمعی تقویت می‌شوند.

۴- عمل ورزشی می تواند سبب افزایش ظرفیت های انسانی شود و انسان را در فرار از گرفتاری های روزمره یاری دهد (شفرز، ۱۳۸۳: ۲۲۰-۲۱۹).

کارکرد ورزش در ابعاد فردی و گروهی موضوع، مطالعات و تحقیقات در جامعه شناسی ورزش^۱ است. کارکرد تربیت بدنی و ورزش در جامعه از دو جنبه قابل بررسی و مطالعه است:

الف) کارکرد تربیت بدنی و ورزش در ابعاد فردی: در این نوع کارکرد تاثیر ورزش در پرورش صفات و ویژگی های فردی هم چون پرورش خصوصیات اخلاقی، رشد شخصیت، اعتماد به نفس، پذیرش مسئولیت مورد بررسی قرار می گیرند.

ب) کارکرد تربیت بدنی و ورزش در ابعاد اجتماعی: در این نوع کارکرد تاثیر و یا رابطه این پدیده با فرآیند اجتماعی شدن، ورزش و تحولات اجتماعی، وحدت ملی، افزایش سطح بهداشت جامعه، رشد اقتصادی و غیره مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد (نادریان جهرمی، ۱۳۸۴: ۳۵).

ژاک دو فرانس (۱۳۸۵) کارکردهای اجتماعی ورزش را در دو بعد «کارکردهای بدنی» و «کارکردهای نمادین ورزش» طبقه بندی می نماید. در بخش اول کارکردها به کارکرد سلامتی و در بخش دوم به کارکردهایی چون هویت جمعی، چهره های حماسی و رویدادهای افسانه ای اشاره می نماید.

اگرچه مشخص ترین کارکردهای اجتماعی نهاد ورزش تفریح، سرگرمی و کسب هیجان ذکر شده است، اما افزون بر این، کارکردگرایان ساختی، کارکردهای دیگری مانند افزایش سازگاری روانی و اجتماعی افراد، جامعه پذیری با نقش های اجتماعی، همبستگی اعضای جامعه از طریق علائق و فعالیت های مشترک ورزشی، ایجاد هویت ملی و اجتماعی، و فراهم ساختن عرصه ای مناسب برای افزایش تحرک اجتماعی را نیز جزو کارکردهای مهم نهاد ورزش بر می شمارند (Nixon and ferj, 1996). با توجه به اصول موضوعه ی کارکردگرایی ساختی، ورزش چهار نقش اجتماعی داد:

¹ - Sociology of Sport

۱- کمک به حفظ انگاره‌ها و مدیریت تنش‌ها: ورزش و فعالیت‌های ملازم آن امکان تخلیه‌ی تنش‌ها را با شیوه‌هایی بی‌خطر فراهم می‌سازد و تجربه‌های ارزش‌مندی را در اختیار کودکان، نوجوانان و جوانان قرار می‌دهد تا با موفقیت به فراگیری نقش‌های اجتماعی مبادرت می‌ورزند.

۲- کمک به انسجام و همبستگی اجتماعی: ورزش با ایجاد جوه مشترک بین افراد بیگانه و ناآشنا با یکدیگر به تقویت روابط افراد جامعه کمک می‌کند.

۳- کمک در هدف‌یابی: بسیاری از مردم در جریان انجام فعالیت ورزشی به این برداشت دست پیدا می‌کنند که چنین فعالیت‌هایی مانند اهدافی هستند که باید برای دست‌یابی به آن‌ها تلاش کرد. افزون بر این، ورزش از طریق آداب و قواعد رایج خود آموزش و فراگیری جهت‌گیری‌های موفقیت‌آمیز را تقویت می‌کند.

۴- سازگاری با ارزش‌ها: ورزش به عنوان فعالیتی در نظر گرفته می‌شود که تندرستی و سلامت جسمانی را تضمین می‌کند و سبب افزایش توان اقتصادی و نظامی افراد یک جامعه می‌گردد.

تعریف مفاهیم

۱- ورزش^۱

ارائه یک تعریف جامع و کامل از ورزش بسیار مشکل است به خصوص اگر قصد باشد این تعریف مورد قبول همگان واقع شود. پاول ویس^۲ در تعریف ورزش می‌نویسد: «ورزش به مجموعه فعالیت‌های منظم و حساب شده جسمانی اطلاق می‌شود که دارای قوانین و مقررات معین و مشخص، سازمان یافته و تشکیلاتی می‌باشد که در آن مهارت‌های حرکتی و توانایی‌های جسمانی آشکار می‌گردد و تا حدودی انتفاعی می‌باشد» (نادریان جهرمی، ۱۳۸۴ به نقل از: ویس، ۱۹۸۹). صاحب‌نظرانی چون

^۱ - Sport

^۲ - P.wiss

نیکسون^۱ «ورزش را هرگونه فعالیت، تجربه، فعالیت‌های شرکت‌های تجاری در جهت ایجاد تناسب اندام، تفریح، فعالیت‌های قهرمانی و اوقات فراغت» می‌دانند.

۲- پرخاشگری

برخی از صاحب‌نظران، پرخاشگری^۲ را واکنشی غریزی به هجوم، ناکامی و رقابت برای دست‌یابی به منابع می‌دانند که عمدتاً از طریق برخورد بدنی تجلی می‌یابد. کوکس (Cox, 1990) پرخاشگری را عملی می‌داند که هدف مستقیم آن صدمه و آسیب‌رساندن به دیگری است. لاور (Lauer, 2002) پرخاشگری را که محصول ناکامی^۳ است عملی می‌داند که به آسیب عمدی دیگران منتهی می‌شود. البته این آسیب ممکن است در انواع شیوه‌ها پیاده شود و حتی متضمن آزارهای روانی نظیر تحقیر، توهین و فحاشی نیز شود. تیلور (Taylor, 2004) نیز پرخاشگری را هر نوع عملی می‌داند که به قصد آسیب‌رساندن به دیگران انجام می‌گیرد. اریک فروم، همه‌اعمالی را که سبب آسیب رساندن به شخص، شیئی یا جانور دیگر می‌شود یا با چنین قصدی صورت گیرد پرخاشگری می‌نامد (فروم، ۱۳۶۱). اسمیت و بوند پرخاشگری را هر نوع رفتاری تعریف می‌کنند که به دیگری آسیب وارد می‌سازد (Smith and Bond, 1993). ارونسون (۱۳۶۹) خشم و پرخاشگری را عملی می‌داند که هدف‌اش اعمال صدمه، آسیب و رنج است. در تعریفی دیگر از پرخاشگری چنین آمده است: هر نوع رفتاری که معطوف به آسیب رساندن یا اعمال صدمه به فرد دیگر است و علی‌رغم میل وی صورت می‌گیرد.

بر اساس نظر بارون پرخاشگری کنشی است که شامل هر دو شکل آسیب‌رسانی بدنی و روانی است، جنبه عمدی دارد، امری تصادفی به شمار نمی‌آید، تنها شامل افراد انسانی می‌گردد، و در آن آسیب‌رسانی به اشیاء مورد نظر نیست (Baron, 1994) به نقل از رحمتی، (۱۳۸۹). برکویتز نیز با تعریف پرخاشگری به عنوان آسیب‌رساندن

¹ - Nixon

² - Aggression

³ - Frustration

عمدی به دیگری، می‌افزاید این آسیب ممکن است روانی یا فیزیکی باشد. خشونت معمولاً بر اساس شدت آسیب از پرخاشگری متمایز می‌شود و کنشی است که عامل آن به عمد تلاش برای آسیب‌رسانی فیزیکی به دیگری می‌نماید (Berkowitz, 1986) به نقل از رحمتی، (۱۳۸۹).

کاکلی در تعریفی نسبتاً جامع از پرخاشگری آن را چنین تعریف می‌کند: پرخاشگری ناظر به رفتاری است که با نیت تخریب اموال یا صدمه زدن به شخص دیگر انجام می‌شود و متضمن بی‌توجهی محض به سلامت دیگران و احتمالاً خود است؛ پیامدهای پرخاشگری ممکن است فیزیکی یا روان‌شناسانه باشد. وی آن گاه در تعریف خشونت و تمایز آن از پرخاشگری به کنش فیزیکی اشاره می‌کند: خشونت، کنشی فیزیکی است که با بی‌توجهی کامل به سلامت خود و دیگران، یا به منظور آسیب رساندن به شخص دیگر یا تخریب دارایی‌های انجام می‌شود (Coakley, 1998). خشونت را می‌توان به مثابه‌ی تجلی افراطی و شدید خشم و عصبانیت به شکل احساسی یا کلامی در نظر گرفت (به نقل از: رحمتی، خشونت و ورزشی (www.sportscholars.ir)).

انواع پرخاشگری در ورزش

پرخاشگری در عرصه فعالیت‌های ورزشی به شکل ابزاری و بازتابی و یا کلامی و فیزیکی تجلی می‌یابد و از سوی افراد حاضر و شرکت‌کننده در رویدادهای ورزشی در قبال سایر بازیکنان، تماشاگران، مربیان، مقامات ورزشی، عامه مردم و اموال صورت می‌گیرد.

ارونسون (۱۳۶۹) با تمایز بین دو نوع پرخاشگری، یعنی پرخاشگری ابزاری و بازتابی یا عاطفی، امکان وقوع هر دو را در عرصه ورزش متذکر می‌شود. پرخاشگری بازتابی (Reactive/ Reflexive Aggression) با هدف آسیب فیزیکی یا روانی انجام می‌شود. هدف این نوع پرخاشگری آسیب‌رسانی است.

پرخاشگری ابزاری (Instrumental Aggression) ضرب و جرح و ایجا درد و رنج، ابزاری برای دستیابی به هدف‌های گوناگونی مانند پاداش مادی، پیروزی، افتخار یا

تحسین باشد. این نوع پرخاشگری، خشونتی غیر احساسی و هدف آن انجام وظیفه است.

لئونارد (Leonard, 1988) که به دو نوع پرخاشگری ابزاری و واکنشی توجه دارد بر این عقیده است که پرخاشگری ابزاری، غیر عاطفی^۱ و وظیفه محور^۲ است و پرخاشگری واکنشی که تحت تاثیر احساس می باشد، هدف آن آسیب رساندن است. مارش و همکارانش در دانشگاه آکسفورد نیز به دو نوع پرخاشگری، یعنی پرخاشگری واقعی و آیینی اشاره می کنند. اولی را اعمال خشونت جسمانی علیه دیگران تعریف می کنند و دومی را کنایی یا نمادین می نامند. پرخاشگری آیینی محصول توافق در مورد مجموعه ای از قواعد است که از گفته های شرکت کنندگان در آن می توان آن ها را استنباط کرد. قواعد درباره زمان مناسب حمله، شکل و اهداف حمله، و ختم آن است (ویلیامز و دیگران، ۱۳۷۹).

۳- خشونت

خشونت^۳ را می توان اعمال یک نیروی فیزیکی بر یک شی یا یک فرد یا یک گروه اجتماعی که به قصد یا بدون قصد سبب زیان یا تخریب دیگری شود، تعریف کرد. در این تعریف بعد روحی- روانی خشونت نادیده گرفته شده است و خشونت از لحظه شروع یک عمل فیزیکی مورد توجه بوده است اما نه فقط این عمل می تواند نوعی فشار و تهدید روانی و به همان اندازه و شاید مخرب باشد بلکه وجود پتانسیل خشونت نیز به نوبه خود می تواند به صورت یک فشار روحی خشونت برانگیز عمل کند.

^۱ - Non- Emotional

^۲ - Task- Oriented

^۳ - Violence

دامنه مفهومی خشونت می‌تواند از تهدید کلامی تا کشتن آدم‌ها را در برگیرد (Thomson, 2004:18). جان هافمن و همکاران به نقل از واینر^۱، زان^۲ و ساجی^۳ خشونت را چنین تعریف می‌کند:

کاربرد نیروی فیزیکی یا تهدید به کاربرد آن به نحوی که بتواند لطمات جسمی یا معنوی به شخص یا اشخاص وارد آورد. در این موارد، خواست و رضایت فرد یا افراد دیگر یا ملاک نیست و یا این که این عمل علی‌رغم میل آنان به منصفه ظهور می‌رسد (افتخاری، ۱۳۷۹: ۴۶؛ به نقل از Hoffman, 1998: 289-290).

خشونت را می‌توان وارد کردن نوعی فشار و زور فیزیکی از سوی یک نهاد، یک فرد یا یک گروه به نهاد فرد یا گروه دیگر دانست. از این رو خشونت همواره در برابر میل، اراده و آزادی قرار می‌گیرد و به نوعی حدود آن‌ها را تعیین می‌کند (Cambell, 1998).

بعضی از صاحب نظران خشونت را هر عمل مبتنی بر تهاجم و تجاوز فیزیکی، شفاهی و غیر کلامی نیز تعریف نموده‌اند (Bredemeier, 1993). و لذا می‌توان گفت، خشونت به معنی تهاجم فیزیکی خود می‌تواند برای اعمال کنترل یا در صورت از دست رفتن کنترل مورد استفاده قرار گیرد. خشونت می‌تواند علیه حیوانات و اشیاء به کار رود.

۴- خشونت ورزشی

خشونت ورزشی^۴ عبارت است از: رفتار و کنشی که خارج از قواعد و هنجارهای ورزشی روی می‌دهد و هدف آن آسیب رسانی است و این نوع رفتار ارتباط مستقیمی با اهداف رقابتی ورزش ندارد (Terry and Jackson, 1985).

¹- Weiner

²- Zahn

³- Sagi

⁴- Sport Violence

رفتارهای دلالت بر خشونت ورزشی می‌تواند شامل تحقیر، اهانت، دشنام و توهین یا تلاش برای آسیب فیزیکی باشد. در هر مورد، هدف از رفتار آسیب رساندن به دیگری/ دیگران، یعنی تحمیل درد و رنج به شکل فیزیکی یا روحی - روانی است.

انواع خشونت

طبقه‌بندی خشونت بر حسب انگیزه، هدف و یا مفهوم متغیر است.

الف) خشونت خصومت‌آمیز و ابزاری

خشونت خصومت‌آمیز، خشونتی است آشکار و مشهود که به قصد آسیب رساندن جسمانی یا روانی به دیگران یا خود انجام می‌گیرد. وقتی که عمل خشونت‌آمیز فرد منجر به آسیب جسمانی یا روانی به حریف می‌شود فرد احساس رضایت خاطر می‌کند و تقویت می‌شود. و در خشونت ابزاری فرد از عمل خشونت برای رسیدن به هدف استفاده می‌کند.

در خشونت ابزاری با دریافت یک تقویت به ظاهر مثبت بیرونی مانند تشویق فرد یا افراد، احتمال تکرار رفتار پرخاشگرانه از جانب فاعل خشونت افزایش می‌یابد.

ب) خشونت بین شخصی و بین گروهی

در خشونت بین شخصی، خشونت بین دو یا چند فرد رخ می‌دهد و چنانچه بین گروه‌های شناخته شده، در جامعه و یا بین دو یا چند نژاد، مذهب و گروه‌های سیاسی مختلف پدید آید خشونت بین گروهی گویند (Lauer, 2002: 182).

ج) خشونت‌های خانگی

این نوع خشونت‌ها که عمدتاً متوجه زنان و کودکان است به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

- ۱- خشونت فیزیکی یا بدنی، آسیب‌های جسمانی نظیر ضرب و جرح با سلاح سرد و گرم، سیلی و لگد زدن و بعضاً کشتن قربانی را شامل می‌شود.
- ۲- خشونت روانی، که انواع تحقیرهای روانی و بدرفتاری‌های کلامی نظیر تمسخر و دشنام و ناسزا گفتن را شامل می‌شود.

- ۳- خشونت اجتماعی، شامل انواع ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های اجتماعی نظیر ممنوع کردن ملاقات با خویشاوندان، دوستان و همکاران و قطع تلفن.
- ۴- خشونت اقتصادی، ایجاد محدودیت‌های اقتصادی نظیر ندادن خرجی، سوءظن نسبت به زن در سوء استفاده از منابع مالی خانواده و کنترل شدید و دائمی مخارج زن و پنهان کردن درآمد توسط شوهران.
- ۵- خشونت جنسی، انواع بدرفتاری در ایجاد روابط جنسی توسط شوهران، خشونت جنسی خانگی علیه زنان شناخته شده که زنان به ندرت این نوع خشونت را گزارش می‌کنند (احمدی، ۱۳۸۴: ۲۲۷).
- گالتونگ^۱ خشونت را به پنج دسته طبقه‌بندی می‌نماید؛ که عبارتند از:
- ۱- خشونت هدف‌مند در مقابل خشونت بی‌هدف.
 - ۲- خشونت آشکار در مقابل خشونت پنهان.
 - ۳- خشونت فردی در مقابل خشونت ساختاری.
 - ۴- خشونت فیزیکی در مقابل خشونت روانی.
 - ۵- خشونت معطوف به قربانی در مقابل خشونت بدون قربانی.
- صاحب‌نظران علوم جنایی، جرایم را از نظر خشونت و نحوه تحقق به دو دسته تقسیم می‌کنند: بزهکاری خشونت‌آمیز یا مبتنی بر «کلسیم بازو» و بزهکاری خدعه‌آمیز یا مبتنی بر «فسفر مغز». (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۸-۹ و طاهری، ۱۳۸۵: ۲۹).
- دسته اول شامل جرایم خشن و بدنی می‌شود که مرتکب در آن از نیروی جسمی خود سوء استفاده می‌کند و دسته دوم جرایم مکارانه و مزورانه را در بر می‌گیرد که مرتکب در آن مکر و حلیه و تزویر را به کار می‌برد.

چارچوب‌های نظری پرخاشگری و خشونت در ورزش

بنیان‌های نظری در تبیین تهاجم، پرخاشگری و خشونت به صورت عام و ورزش به صورت خاص را می‌توان به دو دسته عمده طبقه‌بندی نمود.

¹ - Goltung

الف) مبانی نظری تهاجم و پرخاشگری

نظریه‌هایی که در این راستا معرفی می‌شوند عبارتند از:

نظریه غرایز انسانی

بر پایه این نظریه انسان در میان گروهی از غرایز زندگی می‌کند و یکی از آنها غریزه ستیزه‌جویی و خشونت است. در این دیدگاه مانند سایر غرایز، غریزه خشونت نیز می‌بایست ارضاء گردد.

زیگموند فروید^۱ از پایه‌گذاران نظریه غرایز (Instinct Theory) می‌باشد. فروید بر این عقیده است که انسان با غریزه مرگ زاده می‌شود. هنگامی که این غریزه متوجه درون شود به صورت تنبیه و مواخذه خود ظاهر می‌شود و در موارد افراطی منجر به خودکشی می‌شود. هنگامی که این غریزه متوجه برون گردد، به صورت خصومت، خشونت، آزار و اذیت، وندالیسم، تخریب و قتل تجلی می‌کند. این نظریه شباهت تمام به یک نظریه هیدرولیک دارد اگر نیروی پرخاشگرانه به تدریج کاهش نیابد، احتمال وقوع انفجار زیاد است. فروید مصرّ است که جامعه ضرورتی حیاتی در کنترل و مهار غریزه خشم انسان است و او را یاری می‌دهد تا از آثار مخرب این نیرو بکاهد و آن را به رفتاری مفید و پسندیده بدل نماید (ارونسون، ۱۳۶۹: ۱۶۳-۱۶۲).

نظریه یادگیری اجتماعی

این نظریه بر چگونگی تاثیر گذاری وضعیت اجتماعی و محیطی روی خشونت افراد تأکید دارد. به نظر «بندورا»، «بارون» و «ریچاردسون» انسان ذاتاً پرخاشگر نیست بلکه پرخاشگری رفتار اجتماعی است که از طریق تجربه مستقیم یا مشاهده رفتار دیگران (در قالب الگوهای اجتماعی) آموخته می‌شود.

نظریه یادگیری مشاهده‌ای و الگوی «البرت بندورا» مویید این فکر است که خشونت، خشونت به بار می‌آورد زیرا کودکی که الگوهای رفتاری پرخاشگری را مقابل خود دارد یاد می‌گیرد که بعدها رفتارهای مشابهی را نشان دهد.

^۱ - Sigmund Freud

باندورا ریشه رفتارهای خشونت‌آمیز را در محیط تعلیمی افراد می‌یابد. فراگیری معمولاً تحت شرایط مستقیم (تنبيه و یا تشویق) و مشاهدات فردی صورت می‌پذیرد و می‌تواند نتیجه تجارب شخصی فرد یا برگرفته از نتایج مترتب بر رفتار سایر افراد باشد. برای تبدیل مشاهده به رفتار لازم است تا آن رفتار در ذهن فرد ثبت شود. آن‌گاه عناصر ثبت شده ذهنی در مرحله بعدی به رفتار مشهود تبدیل می‌شود. این فرآیند با توجه به میزان مهارت و توانایی افراد تفاوت می‌کند.

نظر به این که رفتار افراد در زندگی روزمره متأثر از الگوهای مختلفی می‌باشد، «اندورا» سه الگوی مشخص تاثیرگذار بر رفتار جنایی را مورد توجه قرار داده است: خانواده، فرهنگ‌های فرعی و فرهنگ.

بنابراین تعلیم رفتارهای خشونت‌آمیز ممکن است از طریق القای الگوهای رفتاری در خانواده، در گروه‌هایی که افراد عضو آن هستند و یا از طریق تلویزیون و فیلم صورت پذیرد.

تحقیقات لئوناردو برکوویتز^۱ نشان داده است که حتی مشاهده آلات و ابزار پرخاشگری می‌تواند در شخص مشاهده‌کننده، حالت پرخاشگری (خشونت) را برانگیزد. برکوویتز پس از انجام تحقیقات به این نتیجه دست یافت که پرخاشگری نمی‌تواند ذاتی باشد (کریمی، ۱۳۷۳: ۲۷۸-۲۷۷).

نظریه ناکامی

ناکامی^۲ عبارت است از، عدم دستیابی به اهداف مورد نظر توسط کسی یا چیزی. هنگامی که فرد به هدف مورد نظرش نرسد، می‌گوییم فرد ناکام شده است. این هدف ممکن است یک هدف ورزشی یا غیرورزشی در زندگی اجتماعی باشد.

برخی از جامعه‌شناسان مثل «دولارد» و «میلر» اظهار می‌دارند که احساس ناکامی در دست‌یابی به هدف باعث ایجاد رفتارهای خشونت‌آمیز از سوی فرد می‌شود. این هدف

^۱ - Leonard Berkowitz

^۲ - Frustration

ممکن است یک هدف ورزشی یا غیر ورزشی در زندگی اجتماعی باشد (نادریان جهرمی، ۱۳۸۴: ۲۹۰). این صاحب نظران که غالباً رفتارهای پرخاشگرانه را نتیجه ناکامی می‌دانند ناکامی را عدم دستیابی به اهداف مورد نظر توسط کسی یا چیزی می‌دانند.

نظریه تخلیه انرژی های دورنی

اتنولوژیست‌ها (محققانی که اصول بیولوژیکی رفتار حیوانات را مورد مطالعه قرار می‌دهند) مثل آردری^۱ و لورنز^۲ معتقدند که انسان حیوانی مانند سایر حیوانات می‌باشد و دارای غرایز بیولوژیک مشابهی است که نیاز به پرخاشگری از آن جمله می‌باشد. براساس این دیدگاه، انرژی در انسان در طی زمان ذخیره گشته و می‌بایست برای ارضای آن از طریق فعالیت‌هایی چون پرخاشگری تخلیه شود. هنگامی که این انرژی مصرف گردید احتمال بروز خشونت مفرط کاسته می‌شود (نادریان جهرمی، ۱۳۸۴: ۲۹۵-۲۹۴).

بر اساس این دیدگاه می‌بایست فرصت‌های متعددی را در اختیار افراد قرار داد تا آن‌ها با شرکت در فعالیت‌های جسمانی به ویژه ورزش‌های قدرتی و رقابتی، قادر باشند رفتارهای پرخاشگرانه خود را در موقعیت‌های کنترل شده و از راه‌های قانونی، تخلیه نمایند. فرضیه تخلیه پیش‌بینی می‌کند که احساسات و هیجانات درونی سرکوب شده با بروز رفتارهای پرخاشگرانه می‌تواند تخلیه شود.

نظریه کارکردگرایی

از دیدگاه کارکردگرایی^۳ ورزش ابزاری است که زمینه را برای شکوفایی استعدادهای افراد شایسته فراهم می‌سازد. کارکردگرایان با توجه به ارتباط متقابل ورزش، به عنوان یک نهاد اجتماعی، با سایر نهادهای اجتماعی دیگر مانند خانواده،

^۱ - Ardery

^۲ - Lourance

^۳ - Functionalism

مذهب، آموزش و پرورش نهادهای اقتصادی و سیاسی، رسانه‌های گروهی، سعی در تحلیل ابعاد اجتماعی ورزش در سطوح مختلف دارند(همان: ۱۱۵).

به طور کلی، نظریه‌پردازان دیدگاه کارکردگرایی، موارد ذیل را به عنوان کارکردهای ورزش در نظام اجتماعی بر می‌شمارند:

- ۱- کسب مهارت‌های اجتماعی ۲- دسترسی به فرصت‌های تحصیلی، حرفه‌ای و ... ۳- شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی ۴- کنترل اجتماعی ۵- رهایی از تنش ۶- تندرستی و سلامت جسمانی و تقویت قوای جسمانی ۷- کاهش تضادها و تنش‌ها ۸- ترویج وفاداری ملی و حس وطن دوستی و میهن‌پرستی ۹- تعمیم حمایت‌های اقتصادی و سیاسی.

مبانی نظری خشونت

بر اساس یکی از نظریه‌های روانشناسی تحت عنوان جا به جایی^۱ (که تا حدود زیادی مشابه تئوری کارکردی- ساختی پارسونز در جامعه‌شناسی است)، رنج و ناکامی حاصل از عدم تحقق هدف یا اهداف موجب تحریک کینه، دشمنی و عداوت در فرد ناکام می‌شود، ولی وقتی علت ناکامی مشخص نباشد یا فرد به دلیل عدم دسترسی به منبع یا منابع ناکامی، یا ترس از انتقام یا عدم توانایی در تلافی و ناکامی خود و امکان این که پرخاشجویی و خشونت را بر سر عامل ناکامی خود تخلیه کند، وجود نداشته باشد، هدف پرخاشجویی خود را جا به جا می‌کند. اگر این جا به جایی با امری صورت گیرد که از نظر فرهنگی، عالی‌تر از هدف فعلی خودش باشد، از آن به «به‌گرایی» تعبیر می‌کنیم که فروید نیز در بحث ناخوشایندی‌های فرهنگ یا تمدن به آن اشاره می‌کند. دیدگاه‌های جدیدی که در این نظریه مطرح هستند بر این باورند که دامنه تجلی و بروز پرخاشگری در عرصه ورزش، به عوامل مختلفی بستگی دارد که در این میان می‌توان به فراوانی شکل‌گیری و بروز ناکامی، آستانه تحمل افراد در جامعه با

¹ - Displacement

ناکامی، میزان رویدادهایی که منجر به ناکامی می‌شوند و نیز دامنه انتظارات فرد در مقابل مجازاتی که به رفتار پرخاشجویانه تعلق می‌گیرد، اشاره کرد.

نظریه دوم که ذیل پارادایم روانشناسانه به آن پرداخته می‌شود، نظریه یادگیری اجتماعی^۱ است که با نام «آلبرت باندورا» پیوند خورده است. باندورا با نقد رفتارگرایی اسکینر که فقط محرک را به عنوان یک واکنش به رفتار و به عبارتی پرخاشجویی و خشونت را به عنوان یک رفتار در پاسخ به یک محرک در نظر می‌گیرد، اعتقاد دارد که رفتار همراه با عوامل فردی و نیروهای اجتماعی و در تعادل با یک دیگر، موجب پرخاشجویی و خشونت فرد می‌شود و علاوه بر آن، بر نقش یادگیری مشاهده‌ای هم تأکید می‌کند. افرادی که با استفاده از این نظریه به مطالعه خشونت و پرخاشجویی در ورزش پرداخته‌اند، به سه منبع مهم اشاره می‌کنند:

۱- گروه مرجع فعلی افراد شامل ورزشکاران، مربیان، اعضای خانواده و دوستان

۲- ساختار فعالیت ورزشی و نحوه اعمال مقررات توسط دست-اندرکاران و مقامات فعالیت‌های ورزشی (یعنی سیستم تنبیه و تشویق)

۳- طرز تلقی رسانه، دستگاه قضایی و جامعه

این نظریه به عوامل وضعیتی (یعنی عواملی که نه از قبل، بلکه با توجه به شکل‌گیری وضعیت خاص در مکان و فضای خاص خشونت شکل بگیرد)، اشاره می‌کند.

نظریه سوم، نظریه بازگشتی است که توسط «جان کرد» در اوایل دهه نود با تلفیقی ناقص از نظریه‌های روانشناسی و جامعه‌شناسی، سعی کرد به تبیین رفتار پرخاشگرایانه طرف‌داران فوتبال بپردازد. او معتقد است که رفتار انسان کاملاً ناپایدار است و یک فرد اوباش که در یک موقعیتی مبادرت به شکستن یک شیشه می‌کند، در موقعیت‌های دیگر ممکن است که به عمل کاملاً متفاوتی دست بزند. او به وضعیت‌های فرا عاطفی اشاره می‌کند و معتقد است که رفتار اوباش عمدتاً به منظور ایجاد هیجان و خشنودی ناشی از رها شدن از قواعد و محدودیت‌ها صورت می‌گیرد. وی یک نوع لذت عاطفی

¹ - Social Learning Theory

و احساسی از این اعمال برای افراد در نظر می‌گیرد که البته این نظریه نیز مورد انتقادات فراوانی قرار گرفت و آن چنان که باید مطرح نشد (رحمتی، ۱۳۸۹).

تبیین خشونت

از علل بنیادین خشونت، ناکامی است. دولارد بر این عقیده است که فرد ناکام به هر شی یا انسانی که در نظر او علت ناکامی‌اش باشد، خشونت می‌کند و در واقع خشونت از محرومیت و ناکامی نشأت می‌گیرد.

لورنز منشاء بروز خشونت انسانی را گزینه جنگ طلبانه انسان می‌داند. بعضی از صاحب‌نظران (Lauer, 2002: 189-200). عوامل خشونت را به دو دسته بزرگ طبقه‌بندی می‌کند:

الف) عوامل ساختار اجتماعی، شامل:

۱- هنجارها ۲- آرایش سیاسی ۳- سیاست‌های کنترل اسلحه ۴- نظام قشربندی

ب) عوامل روانشناسی اجتماعی، شامل:

۱- گرایشان- نگرش‌ها ۲- ارزش‌ها ۳- نقش وسایل ارتباط جمعی

هم‌چنین وسایل ارتباط جمعی از قبیل تلویزیون، فیلم‌های ویدئویی، فیلم‌های جنایی تلویزیونی و ماهواره از عوامل اساسی خشونت به شمار می‌آیند. به طوری که تماشای فیلم‌های خشونت، رفتارهای پرخاشگرانه را نزد بینندگان فیلم افزایش می‌دهد (Taylor, 2002: 473 and Tulloch, 1993: 15-18). اعضای طبقه پایین^۱ تمایلات خود تخریبی و انهدامی^۲، جرایم علیه مالکیت^۳ و جرایم علیه اشخاص^۴ را تقویت می‌کنند (McLaughlin, Muncie, Hughes, 2004: 223).

¹ - Underclasses

² - Self- Destination

³ - Crimes Against Property

⁴ - Crimes Against People

«جف هرن» بر ارتباط با دوستان خشونتگرا، مصرف مشروبات الکلی، نوع بازی ورزشی و تماشای بازی‌های ورزشی خاص در شکل‌گیری رفتار خشونت‌آمیز تأکید دارد (Hearn, 1999: 20-26).

تبیین خشونت ورزشی

میادین ورزشی از بارزترین صحنه‌های اجتماعی است که خشونت‌های رفتاری را می‌توان مشاهده کرد. بعضی از ورزشکاران ممکن است به لحاظ ژنتیکی مستعد خشونت باشند به ویژه این که بعضی از ورزشکاران مرد ممکن است به صورت غیرمعمول سطح تستوسترون^۱ بالایی داشته باشند (Orwell, 1950). «ولکامر» معتقد است ورزشکاران از زمانی که مستقیماً تحت فشار از طرف تماشاگران قرار می‌گیرند، در مقابل حریف‌های خود پرخاشگری می‌کنند. همین طور وی پس از تحقیق در مورد خشونت ورزشکاران رشته فوتبال به این نتیجه رسید که خشونت بیشتر هنگامی روی می‌دهد که تیم در حال باخت بوده است.

بر اساس نظریه «زیلمن» ایجاد تحریک هنگام تمرین، احتمال رفتار خشونت‌آمیز را افزایش می‌دهد. وی هم‌چنین می‌افزاید:

افرادی که از آمادگی بدنی و قلبی و عروقی خوبی برخوردارند عکس‌العمل تحریکی را با شدت پایین‌تری نشان می‌دهند بنابراین سطح آمادگی تیم‌ها و ورزشکاران به صورت مستقیم و غیرمستقیم در تعدیل خصومت و عکس‌العمل‌های خشونت‌آمیز در رقابت‌ها نقش دارد.

نحوه داوری، شکست و ناکامی تیم، رفتار ورزشکاران تیم مقابل، حساسیت رقابت، آمادگی جسمانی پایین ورزشکاران از جمله عوامل مؤثر در بروز پرخاشگری در ورزش می‌باشند (همتی‌نژاد و همکاران، ۱۳۷۹: ۴۶-۳۹).

¹ - Testosterone

اوباشگری و فوتبال

آشکارترین نمونه رفتار خشونت‌آمیز بین طرف‌داران فوتبال، پدیده‌ای موسوم به اوباشگری^۱ است که امروزه به شکل نسبتاً سازمان‌یافته‌ای در کشورهای صاحب نام فوتبال به ویژه در اروپا رواج دارد. وجه تسمیه اوباشگری که برگردان واژه Hooliganism انگلیسی است، به خانواده ایرلندی بر می‌گردد که در قرن ۱۸ به لندن مهاجرت می‌کنند. این خانواده باج‌گیر بودند و نام سرپرست خانواده «پاتریک هولیگان» بود و به تدریج هولیگان، اوباش معنی گرفت.

در انگلستان اوباش‌ها (هولیگان‌ها) با عقاید و افکار تعصب‌آمیز، به وجود آورنده وقایع فاجعه‌آمیز بسیاری در ورزشگاه‌ها بوده‌اند. در ایتالیا علاقه دیوانه‌وار و بیمارگونه برخی از طرف‌داران تیم‌های فوتبال و نیز رفتارهای پرخاشجویانه و دیوانه‌گرانه آنان در عرصه مسابقات فوتبال سبب شده است به آنان لقب تیفوسی‌ها داده شود.

به نظر برخی از پژوهشگران بین تمام فعالیت‌های ورزشی تنها ورزش فوتبال است که سبب رفتار اوباشگرانه به مفهوم عام آن می‌شود (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۸۰).

برخی از محققان با رویکرد مارکسیستی اوباشگری را به نوعی مقاومت در برابر فرهنگ بورژوازی تعبیر می‌کنند. برخی دیگر این رفتار خشونت‌آمیز را با محرومیت عاملان، با شاخص‌هایی چون سطح پایین تحصیلات و شرایط دشوار زندگی تبیین می‌کنند (دوفرانس، ۱۳۸۵: ۷۷). مطالعات دیگر گوناگونی نسبی خاستگاه‌های اجتماعی «اوباش» را متذکر شده و بر سلطه و شکل‌گیری نوعی «ضد فرهنگ» تاکید می‌کنند که با نهادهای رسمی (سازمان دهندگان و پلیس) در تعارض‌اند.

خشونت و داوری مسابقات

عوامل متعددی باعث حساسیت طرف‌داران تیم‌ها نسبت به امر داوری می‌شود. از جمله این عامل‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

^۱ - Hooliganism

اهمیت نتیجه بازی و تاثیر آن در جدول رده‌بندی، واکنش بازیکنان داخل زمین نسبت به تصمیم‌گیری‌های داور، عملکرد رسانه‌ها به ویژه مطبوعات مورد علاقه طرف-داران نسبت به داور، باورهای کلیشه‌ای شکل گرفته درباره کیفیت داروی و میزان تاثیرگذاری تصمیم اتخاذ شده بر نتیجه بازی، معمولاً چند عامل به همراه هم، بر واکنش طرف‌داران تیم‌ها نسبت به امر داوری تأثیر می‌گذارند (همان: ۲۸۶).

از موردهای مشخصی که بیش از همه باعث واکنش طرف‌داران نسبت به قضاوت داور می‌شود، «پنالتی» و «آفساید» به سود یا زیان تیم مورد علاقه است. این دو مورد در صورت تغییر نتیجه بازی یا به ثمر رسیدن گل به زیان تیم مورد علاقه، واکنش‌های شدیدی را نسبت به داور بین طرف‌داران ایجاد می‌کند.

مطبوعات و خشونت ورزشی

رفتار پرخاشگری و خشونت‌جویانه ورزشکاران و تماشاگران تا حدی متأثر از واکنش‌ها و تحلیل‌های خبری و گزارشی مطبوعات، به خصوص تحلیل‌های حاشیه‌ای است. مطبوعات تلاش جدی و مفیدی برای آموزش رفتارهای مناسب در محیط ورزشگاه انجام نمی‌دهند. بررسی محتوایی مطالب روزنامه‌های ورزشی طرف‌داران دو تیم نشان می‌دهد، به موازات نزدیک شدن به زمان برگزاری بازی دو تیم، حجم مطالب مربوط به تیم و بازیکنان افزایش می‌یابد و در آستانه برگزاری دیدار دو تیم، به حدود ۷۰ درصد از کل حجم مطالب روزنامه می‌رسد. دسته‌بندی این مطالب، سه مقوله کلی زیر را نشان می‌دهد (همان منبع: ۲۸۸).

۱- اتکا و استناد به ادبیات نظامی و خشونت‌آمیز از طریق کاربرد واژه‌ها و جملاتی مانند: جنگ آبی و قرمز، خط آتش استقلال پیروزی را می‌کوبد، زلزله پرسپولیس در آزادی، آسمان استقلال سیاه شد، استقلال وقتشه پرسپولیس له بشه و یک دوئل دیگر.

۲- رواج ادبیات لمپنی و ارائه مطالبی که از نظر ارزش خبری و تحلیلی در سطح پایینی قرار دارند مانند پرسپولیزی‌ها آخر مرام، کار پرسپولیس ساخته

است، باید کاری کرد تا پرسپولیسی‌ها ماست‌ها را کیسه کنند، عابدزاده برای پورحیدری تره هم خورد نکرد. این عبارت از جمله مفاهیم و اصطلاحات لمپنی به کار رفته در روزنامه‌های طرف‌دار دو تیم بوده‌اند.

۳- توهین و تحقیر رقیب که معمولاً صورت دو قطب مطلق خوب و بد، زشت و زیبا، قدرت و ضعف و در نهایت خیر و شر تجلی می‌یابد و با مرزبندی بین «خود» و «دیگری» شکل می‌گیرد.

کنترل خشونت و راهکارهای پیشگیری آن

از عوامل مؤثر بر پیشگیری و کاهش خشونت، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- آرایه خدمات بهتر به افراد
- ۲- برطرف کردن عمل مستقیم ناکامی‌ها
- ۳- آزاد سازی و هدایت خشونت و پرخاشگری در کانال‌های مورد قبول اجتماعی مثل شرکت در بازی‌ها و مسابقات ورزشی
- ۴- فراهم سازی شرایط و تغییرات مناسب در موقعیت‌های محیطی به منظور از بین بردن زمینه‌های موجود پرخاشگری
- ۵- عدم تقویت پاسخ‌های پرخاشگرانه به طوری که چنانچه اگر فرد برای رفتارهای پرخاشگرانه خود تقویت نشود و پاداش دریافت نکند احتمال انجام رفتار پرخاشگرانه کاهش پیدا می‌کند.
- ۶- استفاده از روش‌هایی که منجر به کنترل پرخاشگری می‌شود که اهم آن عبارتند از: تنبیه رفتار پرخاشگرانه، تنبیه الگوی پرخاشگر، استدال کردن، منحرف کردن ذهن فرد از موضوع پرخاشگری و تخلیه پرخاشگری.
- ۷- ارتقای پایگاه اقتصادی و اجتماعی ورزشکارانه و تماشاگران (بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و رفتار خشونت‌آمیز و پرخاشجویانه طرف‌داران فوتبال رابطه معکوس وجود دارد).

- ۸- افزایش توان نیروی انتظامی حاضر در ورزشگاه‌ها جهت مدیریت و کنترل رفتارهای جمعی و بعضاً بحرانی.
- ۹- نظارت بر رفتار حرفه‌ای رسانه‌های ورزشی و پرهیز رسانه‌های ورزشی از نگرشی قطبی و مسائل حاشیه‌ای و ارائه خدمات حرفه‌ای، تخصص و پای‌بندی به اصول و اخلاقیات روزنامه‌نگاری و مطبوعاتی و در صورت لزوم برخورد منطقی و قانونی با نشریات و رسانه‌های التهابی، حاشیه ساز و تحریک‌آمیز.
- ۱۰- علاوه بر توجه و اهتمام در بخش مادی ورزش و تامین امکانات و ملزومات آن (مانند: توپ، لباس، کفش، زمین بازی و غیره) بایستی به بخش غیرمادی آن توجه ویژه شود (سازمان بروکراتیک و عقلانی، پیروی از قواعد، مقررات و قوانین حاکم بر فعالیت‌های ورزشی، ارائه آموزش‌های اخلاقی و فرهنگی به ورزشکاران و تماشاگران و کلیه عوامل و اصحاب ورزشی و اجرایی مسابقات، هم‌چنین به مربیان، کادر فنی و مدیران باشگاه‌ها). در غیر این صورت در ورزش شاهد پدیده «تأخر فرهنگی»^۱ خواهیم بود و واژه فرهنگی در کنار نام باشگاه‌ها جنبه تزئینی و شعاری خواهد داشت.

منابع

- احمدی، ح. (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: سمت.
- ارونسون، ا. (۱۳۶۹). *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه: ح، شکرکن. تهران: انتشارات رشد.
- افتخاری، ا. (۱۳۷۹). *خشونت و جامعه*. تهران: نشر سفیر.
- دوفرانس، ژ. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی ورزش*. ترجمه: ع، نیک‌گهر. تهران: انتشارات توتیا.
- رحمتی، م. (۱۳۸۹). *خشونت و ورزش*. دانشگاه گیلان (مقاله از اینترنت).
- شفرز، ب. (۱۳۸۳). *مبانی جامعه‌شناسی جوانان*. ترجمه: ک، ا، راسخ. تهران: نشر نی.
- طاهری، م. (۱۳۸۵). *خشونت ساختاری و فرآیند عدالت کیفری*. تهران: انتشارات محراب فکر.
- فروم، ا. (۱۳۶۱). *هنر عشق ورزیدن*. ترجمه: پ، سلطانی. تهران: انتشارات مروارید.
- کریمی، ی. (۱۳۷۳). *روانشناسی اجتماعی*. تهران: انتشارات بعثت.
- محسنی تیریزی، ع. (۱۳۸۳). *وندالیسم*. تهران: انتشارات آن.
- نادریان جهرمی، م. (۱۳۸۴). *مبانی جامعه‌شناسی در ورزش*. اصفهان: انتشارات هنرهای زیبا.
- نجفی ابرندآبادی، ع. (۱۳۷۹). *دوران گذار، خشونت و امنیت عمومی*. مجله امنیت، شماره ۱۱-۱۲، تهران: وزارت کشور.

¹ - Cultural Lag

ویلیامز، ج و دیگران. (۱۳۷۹). **کند و کاوی در اوباشگری فوتبال**. ترجمه و تلخیص: ح، افشار. تهران: نشر مرکز.
 همتی‌نژاد، م و دیگران. (۱۳۷۹). **بررسی عوامل پرخاشگری در میدان‌های ورزشی از دیدگاه ورزشکاران، تماشاگران و متخصصان تربیت بدنی**. تهران: فصلنامه المپیک.

- Baron, R. and Byren, D. (1994). **Social psychology**, Allyn and Bacon.
- Berkowitz, L. (1986). **A Survey of social psychology**. CBS college publishing.
- Bredemeier, B. J. (1983). **Athletic aggression: A moral concern**. In J. Goldstein (Ed.), **Sport violence**. (pp. 47-81). New York, NY: Springer-Verlag.
- Cambell, H. (198). **Blacks Law Dictionary**, London.
- Clarke, R.V.G. (1991). **Tackling Vandalism, A Home office, Research Unit Report London**.
- Cox, R. H. (1990). **Sport psychology; Concepts and applications**. (2 nd ed.). Dubuque, IA: Wm. C. Brown.
- Hearn, J. (1999). **The Violences of Men: Men Doing, talking and responding to violence against known women**. Norway: In 7 th International interdisciplin any congress on women.
- Hoffman, J. P. Ireland, T.O and widom, C.S. (1994). **Traditional socialization Theories of Violence: A critical Examination In male Violence**. London: Rontledge.
- Lauer, H. L. Lauer, J. C. (2002). **Social Problems and the Quality of life**. London: McGraw Hill.
- Leonard, Wilbert Marcellus. (1998). **A Sociological Persective of Sport (Third Edition 0)**. New York, Macmillan Publishing Company.
- Mchaughlin, E. Muncie, J. Hughes m G. (2004). **Criminological Perspectives, London: sage publication**.
- Nixon, H. and Frey, J.H.(1996). **A Sciology of Sport, Wadsworth publishing Company**.
- Orwell, G. (1950). **The Sporting Spirit. Schooting an elephant**. New York: Harcourt, Brace.
- Smith, P. and Bond, M.H. (1993). **Social Psychology Across Cultures: Analysis and perspectives**, Harvester wheatsheaf.
- Taylor, S. H. (2004). **Social Psychology, peking: peking University Press**.
- Terry, Peter C. and Jakson, John J. (1985). **The Determinants and Control of Violence in Sport**. *Quest*, 37 (1) 27-37.
- Thomson, D. (2004). **Crime and Deviance, Oxford: Oxford University** .
- Tulloch, M. (1993). **Violence in the Home and on the Sports Field: (paper)**. second National conference on violenc. Canberra, NY: Springer- Velag.
www.sport.scholars.ir